

دروازه بانی، جبهه، جانبازی و هواداری

گفت و گو با «عمو موسی»، جانباز قطع نخاعی و هوادار دوآتشفه پرسپولیس در باره ورزشگاه رفتن، فرهنگ هواداری ماجرای جانبازی، بیماری اخیرش و ...

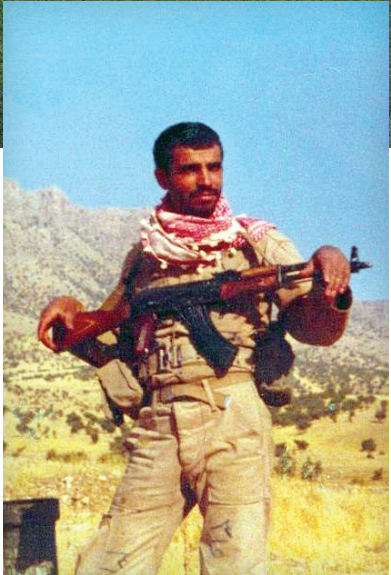
مجید حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

تماشاگران فوتبال خیلی خوب اورا یادشان هست، جانباز قطع نخاعی که هر هفته با ویلچر خودش را به ورزشگاه آزادی می‌رساند تا بازی‌های تیم محبوبش را از نزدیک تماشا کند. اما هدفش فقط تماشای بازی و تشویق پرسپولیس نبود. عمو موسی کنار زمین بود تا خیلی چیزها را به ما یادآوری کند. «موسی سلامت، کمتر از یک ماه پیش به دلیل جراحات ناشی از جانبازی در بیمارستان بستری شد و این روزها، مرخص شده و حالش بهتر است. به بهانه ترخیص این مرد دوست داشتنی از بیمارستان، در پرونده امروز زندگی سلام به سراغ او رفتیم تا برای ما از دلنگی‌هایش برای رفتن به ورزشگاه، هدفش از این کار، خاطراتش از کل استقلال‌ها و پرسپولیسی‌ها در جبهه و ... بگوید. عمو موسی با ۷۰ درصد جانبازی، ناشنوا هم هست بنابراین برای انجام این گفت‌وگو از «محمد استری»، پرستارش کمک گرفتیم.

در سردخانه جبهه، زنده شدم!

موسی سلامت متولد ۱۳۳۳ با شروع جنگ ایران و عراق در قالب نیروهای بسیج مردمی با تیپ ۲۷ محمد رسول ... (ص) عازم جبهه حق علیه باطل شده است. او درباره ماجرای جانباز شدنش می‌گوید: «چون به زبان عربی مسلط هستم، در جبهه مسئول جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی قبل از عملیات هم بودم. سال ۱۳۶۱ وقتی ۲۸ ساله بودم در مأموریت شناسایی قبل از عملیات مسلم بن عقیل به همراه ۴ رزمنده دیگر، اسیر اما موفق شدیم از دست‌شان فرار کنیم که در تعقیب و گریز نیروهای عراقی، ما را به رگبار و حشنتاکی بستند. شدت جراحات به حدی بود که امدادگران تصور کردند من مثل دیگر هم‌زمانم شهید شدم و مرا به سردخانه بردند اما با خواست خدا پس از ۲۴ ساعت، پزشکان با دیدن علائم حیاتی، من را به اتاق عمل منتقل کردند و دوباره زنده شدم». او درباره شهید همت هم می‌گوید: «همترا کسی نمی‌شناسد که چه کار کرد اما من سرباز او بودم و می‌شناختمش. او نه استراحت داشت نه خواب، اسمش فرمانده بود و باید در پایگاه می‌نشست و دستور می‌داد اما هیچ‌وقت این طور نبود، همیشه روی موتور می‌نشست و هر لحظه به بچه‌ها سر می‌زد.»



بیماری اخیرم به دلیل بسته شدن ورزشگاه‌ها بود

«بیماری اخیرم که باعث شد در بیمارستان بستری شوم، به این دلیل بود که خیلی وقت است در خانه ماندم، ورزشگاه هم راهم نمی‌دهند. مدام روی تخت بودم و فکرم به شدت مشغول شده و روی روانم هم تأثیر گذاشته است». او ادامه می‌دهد: «قبلاً به صورت مرتب می‌رفتم ورزشگاه، هم سرگرم می‌شدم و هم بیماری‌ام را فراموش می‌کردم. نمی‌گویم بیمار نمی‌شدم و درد نداشتم ولی فراموش می‌کردم. الان شما اگر پای من را ببینید، تمام آن به خاطر فشار بالا زخم شده است، پشتم زخم است اما اهمیت نمی‌دادم چون عاشق پرسپولیس و فوتبال هستم. در ضمن به هیچ کس هم نمی‌گویم که چه مشکلاتی دارم، دوست ندارم درباره این چیزها حرف بزنم. این بیماری آخری، انسداد روده بود، روده‌ام بسته شد و خیلی فوری باید عمل می‌شدم که پزشکان می‌گفتند بسیار هم خطرناک است. در عمل، روده‌ام را چون عفونت کرده بود، بریدند، الان گفتند ۲ ماه نباید هیچ جایی بروم و اکنون بیش از یک ماه گذشته.»

مثل پرنده در قفسم

او درباره هدفش از حضور در ورزشگاه آزادی می‌گوید: «یک جانباز قطع نخاعی در اتاق شبیه یک پرنده در قفس است. وقتی می‌رود بیرون مثل این است که از قفس بیرون پریده. بنابراین هم دلش باز می‌شود، هم خودش را به دیگران نشان و هم روحیه و راه‌شده را ادامه می‌دهد و از این طریق، توجه جوانان را به خودش جلب می‌کند. هدف من همین است که راه‌شده را ادامه بدهم. من نباید فقط روی تخته بخوابم، باید کاری کنم تا شهید را خوشحال کنم. می‌خواهم حقوقی که می‌گیرم حلال باشد، نمی‌خواهم بیت‌المال را با خوابیدن و استراحت روی تخت هدر بدهم.»

در کودکی دروازه‌بان بودم

او درباره ماجرای تبدیل شدنش به یک طرفدار پرسپولیس می‌گوید: «از بچگی طرفدار پرسپولیس بودم. روحیه ورزشکاری داشتم، دروازه‌بان بودم، خوب هم توپ می‌گرفتم. کم‌کم به تیم سرخ‌پوش پایتخت علاقه مند شدم به خاطر بازی پاک و جذاب‌شان، این که مردانه بازی می‌کنند. بازیکنانی که بیشتر دوست داشتم پروین، دایی، کریمی و استیلی بودند که بازی‌شان خیلی زیبا بود.»

دلم برای امام رضا (ع) خیلی تنگ شده است

عمو موسی به عنوان سخن‌پایانی در گفت و گو با ما می‌گوید: «دلم برای امام رضا (ع) و زیارتش هم خیلی تنگ شده است. اگر شریطش فراهم شود تا دوباره به پایوسی آقا امام رضا (ع) بیایم، خیلی خوشحال می‌شوم. امام رضا (ع) عشق است. دلم برای پسر شهید سردار نورعلی شوشتری هم خیلی تنگ شده، اگر بتوانم او را هم ملاقات کنم، خیلی دوست دارم.»



از حرف زدن بچه ۲۳ روزه تا کشف اسکلت فضایی ۱۵ سانتی‌متری!

بررسی ۲ شایعه داغ این روزهای شبکه‌های اجتماعی که از ناآگاهی کاربران سوءاستفاده کردند

مهسا کسنوی | روزنامه نگار

معمولاً اخبار عجیب و اتفاقات غیرطبیعی، هر آدمی را به وجد می‌آورد و کنجکاوی می‌کند تا درباره آن، اطلاعات بیشتری کسب کند. برای مثال یکی از فانتزی‌های بیشتر انسان‌ها، تسخیر زمین توسط آدم فضایی‌هاست و ثابت شدن حضورشان روی زمین! بنابراین هر چند وقت یک بار و با پیدا شدن وسیله یا خبری مربوط به این موجودات، این فانتزی که ممکن است آدم فضایی‌ها به زمین آمده باشند، خبرساز می‌شود و مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. در ادامه به بررسی چند شایعه داغ این روزها یعنی پیدا شدن اسکلت آدم فضایی‌ها و ویدئویی پربازدید از حرف زدن یک بچه چینی ۲۳ روزه خواهیم پرداخت.

آدم فضایی ۱۵ سانتی‌متری؟



چند سال پیش یک اسکلت کوچک مومیایی شده در بیابان «آتاگاما» در شیلی کشف و در شبکه‌های اجتماعی شایعه شد که مربوط به یک آدم فضایی است! داستان از این قرار بود که یک کلکسیونر آماتور در حال کاوش در یک شهر ارواح با یک

پارچه سفید در یک کیسه چرمی روبه‌رو شد. باز کردن آن کیسه، اسکلتی به طول ۶ اینچ پیدا کرد. شکل عجیب استخوان جمجمه و حالت بدن این اسکلت شایعه «آدم فضایی» بودن آن را به راه انداخت. این اسکلت که آتامامگذاری شده بود، تنها ۱۵ سانتی متر قد داشت اما سن آن تقریباً ۶ تا ۸ ساله برآورد می‌شد. آتامجمه‌ای کشیده داشت و تعداد دنده‌هایش کمتر از تعداد معمول انسان‌ها بود. این شایعه داغ در بین مردم بود تا این که پژوهشگران پس از ۲ سال تجزیه و پژوهش به این نتیجه رسیدند که «آتا» انسان است و به دلیل جهش ژنتیکی دچار بیماری‌های متعدد استخوانی بوده است! دانشمندان ژنتیک می‌گویند که مطالعه روی این اسکلت می‌تواند به تشخیص موارد جهش ژنتیکی و درمان بیماران کمک کند. یک تیم تحقیقاتی به رهبری گری نولان، استاد میکروبیولوژی و ایمنی‌شناسی دانشگاه استنفورد از مغز استخوان آتامونه‌دی‌ان‌ای برای تحلیل ژنتیکی استخراج کردند. این تیم دریافت که اسکلت متعلق به یک جنین دختر اصلان شیلیایی است که به دلیل اختلال ناهنجاری ژنتیکی، استخوان‌هایش بزرگ‌تر از سن خود بوده و ۸ تا ۶ ساله به نظر می‌رسد. دلیل قد کوتاه آتا، جهش در ۷ ژن وی بوده است که این جهش‌ها باعث تغییر شکل و ناهنجاری استخوان‌ها نظیر «کوزیشتی» و «کوتولگی» شده است.

موجود فرازمینی در اندونزی؟

چند وقت پیش یک اسکلت در اندونزی کشف شد. محققان معتقد بودند که توالی ژنتیکی این اسکلت نشان داده است که دارای سابقه اجدادی منحصر به فرد بوده و نسلش نه به انسان شناخته شده در دنیای باستان



می‌رسد و نه هیچ یک از انسان‌هایی که امروز زندگی می‌کنند، از نسل او هستند. همین جمله کافی بود تا خبر پیدا شدن یک موجود فرازمینی در دنیا بیچد. اما مطالعه روی دی‌ان‌ای این دختر نوجوان بعد از یک سال و نیم نشان داد که کیب ژنتیکی او چیزی شبیه بومیان استرالیایی است. تقریباً زمانی که کیب ژنتیکی این اسکلت که نام «بسه» را روی آن گذاشتند، شبیه بومیان استرالیایی امروزی و افرادی از گینه‌نو جزایر غربی اقیانوس آرام است. آن چه اما دانشمندان را تعجب زده کرده، اشتراک ژنوم او با ساکنان نخستین شرق آسیاست. پژوهشگران می‌گویند بقایای جسد کشف شده متعلق به دختر نوجوانی بوده که به هنگام دفن حدود ۱۷ تا ۱۸ سال داشته است. در کنار بقایای او ابزار سنگی ماقبل تاریخ و صدف قرمز دیده شده و همچنین قبر او نیز حاوی شمار زیادی استخوان‌های حیوانات وحشی شکار شده بوده است.

حرف زدن نوزاد چینی در ۲۳ روزگی؟

همین الان از مادرتان بپرسید در چند سالگی شروع به صحبت کردید؟ قطعاً این عدد زیر یک سال نخواهد بود. اما اگر بشنوید یک نوزاد در ۲۳ روزگی اش حرف می‌زند، قطعاً متعجب خواهید شد. به تازگی یک ویدئو در فضای مجازی منتشر شده است که یک نوزاد ۲۳ روزه



در چین کلمه‌ای شبیه مامان را می‌گوید که باعث تعجب پرستار، مادرش و بقیه مردم جهان شده است. نکته قابل توجه این است که آیا این کودک به صورت غیرطبیعی در این سن شروع به حرف زدن می‌کند یا فقط به طور اتفاقی کلمه‌ای شبیه مامان را ادا می‌کند؟ پاسخ واضح است. باور کردن چنین چیزهایی که در شبکه‌های اجتماعی جهان با سرعت زیادی پخش می‌شود با کمی ذکاوت، جایگاه خودش را از دست خواهد داد و این نوزاد هم صدایی از خودش در می‌آورد که شبیه کلمه مادر است نه این که توانایی صحبت کردن در این سن را به دست آورده باشد.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنجشنبه ۲ دی ۱۴۰۰

۱۸ جمادی الاول ۱۴۴۳ • ۲۳ دسامبر ۲۰۲۱

شماره ۲۰۸۳۴

۲۰۵۴

پرونده